گزارشی از معضلات محیط زیست استان فارس

کم‌آبی، مهاجرت و خشکیدگی تالاب‌ها از عوارض کشاورزی ناپایدار

بهروز مهدیزاده

روزگاری چشمه‌ها و قنات‌های فلات مرکزی ایران پر از آب بود. کشاورزی به‌صورت دیم و متناسب با نیاز آبی محصول انجام می‌شد. برداشت از آب‌های زیرزمینی با میزان بارندگی و تغذیه سفره‌های زیرزمینی تقریبا برابر بود. سدی وجود نداشت و قنات‌ها و تالاب‌ها، آب مورد نیاز کشاورزی را تأمین می‌کردند. اما امروز خشکسالی در کنار سوءمدیریت در مصرف آب، توازن طبیعت را به‌هم زده است. نگرانی‌ها در خصوص محیط زیست و طبیعت فارس بسیار زیاد است. کویری شدن استانی که رتبه اول تولید گندم در ایران است و تالاب‌های بسیار مهمی دارد، زنگ خطری برای محیط زیست فارس است. کمبود آب در استان فارس، ۵۰۰ روستا را با بحران آب مواجه کرده است. به دلیل افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی، ۹۰ درصد دشت‌های فارس نیز مشکل برداشت آب پیدا کردند. در ادامه به برخی از مشکلات زیست‌محیطی استان فارس به‌صورت اجمالی اشاره می‌شود. گفتنی است در تهیه این مطالب رسول حاجی‌باقری، دبیه‌بان استهبان بیشترین کمک را رسانده است.

اکثر تالاب‌های استان فارس خشک شده‌اند

فارس در پاچه و تالاب‌های متعددی دارد. مهم‌ترین دراچه‌های آبشور این استان، تالاب مهارلو، تالاب بختگان، طشک و هیرم هستند و از دریاچه‌های آب‌شیرین می‌توان به دریاچه پریشان و تالاب ارژن اشاره کرد. هم‌اکنون سطح وسیعی از دریاچه‌ها و تالاب‌های این استان خشک شده است. تنها با شروع فصل بارندگی مقداری آب دارند ولی با آغاز فصل خشک تقریبا تمام این تالاب‌ها خشک هستند. سال‌هاست که خشکسالی و عوامل انسانی نظیر حفر چاه، برداشت بی‌رویه و سدسازی باعث شده که دریاچه‌های فارس یا خشک باشند یا از کم‌آبی رنج ببرند. تنها تالاب کمیجان است که به لطف فعالیت‌ها و کمکهای فعالان زیست‌محیطی استان احیا شده است. دریاچه بختگان که بعد از ارومیه دومین دریاچه بزرگ کشور است همچنان خشک و به یک شوره‌زار تبدیل شده است. یکی از دلایل خشکیدگی تالاب‌های فارس، عدم‌مدیریت صحیح مصرف آب است. در فارس بیش از ۹۵ درصد آب صرف عملیات کشاورزی می‌شود که این باعث شده آبی در دریاچه‌ها و تالاب‌ها باقی نماند. یکی دیگر از عوامل اصلی تاثیرگذار در خشکسالی تالاب‌های بختگان، پریشان، مهارلو و طشک سدسازی‌های متعدد به منظور تأمین آب کشاورزی است. نتیجه احداث سدها روی رودخانه‌های تغذیه‌کننده تالاب‌ها و دریاچه‌ها، افزایش سطح زیر کشت و به دنبال آن افزایش چاه‌های غیرمجاز و برداشت غیراصولی از منابع آب است. به دلیل خشک شدن تالاب‌ها به مرور رطوبت هوا کاهش پیدا کرد و درنهایت از میزان بارندگی به مقدار قابل‌توجهی کاسته شده است. همچنین خشک‌شدن تالاب‌ها در فارس باعث به‌وجود آمدن پدیده ریزگردها در این استان شده است. هم‌اکنون دراچه‌ها و تالاب‌های استان فارس منتظر اقدامات عملی سریع درخصوص احیا هستند. در این راستا چندی پیش قرار شد که اعتباراتی برای احیای دریاچه بختگان و پریشان تعلق گیرد که متاسفانه هیچ اتفاق خاصی نیفتاد. حتی خشکیدگی تالاب‌ها به‌حدی بود که بسیاری از اهالی روستاهای اطراف شیراز به دلیل بیابانی شدن منطقه و افزایش فرسایش بادی به مناطق دیگر کوچ کردند. یکی از مناطقی که به‌شدت تحت‌تأثیر خشکیده‌شدن تالاب‌ها قرار گرفته منطقه استهبان در حوزه دریاچه بختگان است. با خشک‌شدن دریاچه بختگان انجیرستان‌های شهرستان استهبان نیز خشک‌شده و مردمی که از این طریق امرار معاش می‌کردند با مشکل روبه‌رو شده‌اند.

کم‌آبی

بزرگ‌ترین مشکل استان فارس مسأله خشکسالی و بحران آب است که مانند سایر نقاط ایران مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی زیادی به‌دنبال خواهد داشت. بحران آب در کنار کشاورزی ناپایدار بزرگ‌ترین مشکل محیط زیستی استان فارس به‌شمار می‌رود چراکه این دو مکمل یکدیگر هستند. بدون کشاورزی ناپایدار، بحران آبی که این استان را مانند سایر نقاط ایران در خود گرفته، احتمالا وجود نداشت و بدون بحران آب قطعا کشاورزی هم به‌صورت پایدار و متناسب با ذخایر طبیعی صورت می‌گرفت. از دهه‌ها پیش ایران به دنبال خودکفایی در محصولات کشاورزی به‌ویژه گندم بود. استان فارس هم حدود ۲۵ سال است که رتبه اول تولید گندم کشور را دارد که هم‌اکنون نتیجه این همه تولید و فشار بر منابع زیرزمینی به‌وضوح در شهرها و روستاهای استان فارس مشاهده می‌شود. مسئولان بدون توجه و مدنظر قرار دادن آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی، در طول این سال‌ها تعداد باغ‌ها و اراضی را در این استان افزایش دادند و در قبال این همه باغ و اراضی کشاورزی، آب زیادی هم باید صرف تولید محصولات باغی و زراعی می‌شد که نتیجه‌اش درنهایت برداشت‌های غیراصولی و بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی بود. در زمینه بحران آب در فارس به‌نظر می‌رسد کسی تاکنون واقعیت را نگفته است. بحران آب بیش از آن چیزی که مسئولان و مردم فکر می‌کنند روی زندگی انسان‌ها و محیط زیست اطرافشان تأثیر می‌گذارد. فقط در جهرم که یکی از شهرستان‌های باغی استان فارس است عمق آب به ۳۰۰ متر رسیده است. کشاورزی باعث شده که بیش از نیاز استان آب مصرف شود. در بیشتر نقاط فارس عمق سفره‌های زیرزمینی به‌شدت کاسته شده است و در دشت‌های این استان به دلیل بهره‌برداری بیش از حد از منابع آبی پدیده‌فرونشست زمین مشاهده می‌شود.

مهاجرت

بدترین قسمت ماجرا، تمام شدن طاقت مردم یک استان است. مهاجرت در واقع شیوه‌ای جدید از زندگی است که طی آن انسان از کمبودهای گذشته فرار می‌کند و به امید پیدا کردن شرایط مناسب آواره شهرهای کوچک و بزرگ اطراف می‌شود. شهرهای مجاور بختگان که تقریبا به‌طور کامل خشک شده است روزبه‌روز تقریبا خالی از سکنه می‌شوند. مهاجرت از شهرهای مجاور تالاب‌ها به دلیل افزایش ریزگردها و طوفان شن در فارس روند صعودی به خودش گرفته است. به‌عنوان مثال روستای سهل‌آباد که زمانی بهترین باغ‌های گوجه‌سبز و زردآلود را در ایران داشته است، اکنون اکثر باغ‌هایش خشک شده است. به همین دلیل اکثر مردم این منطقه مجبور به مهاجرت شدند. همچنین بنابر مطالعات صورت‌گرفته از دهستان سفلی جمعیت آن به علت خشکسالی و مهاجرت طبق آمار سالیانه مرکز بهداشت کاهش پیدا کرده است. باید این نکته را پذیرفت که کمبود آب و مهاجرت دو روی یک سکه هستند. مشکلات زیست‌محیطی از قبیل خشک‌شدن تالاب‌ها، خشکسالی و افزایش ریزگردها سبب مهاجرت مردم از روستاها به شهرها شده است. در استان فارس به دلیل خشکسالی و سوءمدیریت در استفاده از آب‌های زیرزمینی، حدود ۳۰ درصد روستاییان و عشایر مهاجرت کردند. سطح آب‌های زیرزمینی در فارس بسیار کاهش داشته، به‌طوری که حفر چاه در بسیاری از مناطق ممنوع شده است. همچنین بسیاری از رودخانه‌های جاری و قنات‌های قدیمی که مربوط به ۶۰ الی ۷۰ سال پیش بوده‌اند در این استان به‌طور کامل خشک شده‌اند. مهاجرت‌ها البته به نوبه خود آسیب‌های اجتماعی فراوانی دارد. بسیاری از روستاییانی که به دلیل نبود آب و رها کردن اراضی کشاورزی به شهرهای دیگر مهاجرت کردند درنهایت حاشیه‌نشین شدند و به‌سوی شغل‌های کم‌درآمد و کاذب روی آوردند.

گسترش بیابان‌زایی

استان فارس به‌دلایلی که توضیح داده شد به‌سمت بیابانی‌شدن پیش می‌رود. وجود تالاب‌های مختلف در استان فارس مثل بختگان، طشک، پریشان، کافتر و.. باعث تلطیف آب‌وهوای این استان می‌شد. درواقع این تالاب‌ها با خنک کردن آب‌وهوا و افزایش رطوبت از پدیده بیابان‌زایی جلوگیری می‌کردند اما به‌دلیل برداشت بی‌رویه از منابع آبی، خشکسالی و سدسازی‌های پی‌درپی و کشاورزی ناپایدار بیابان‌زایی گسترش یافت. درواقع تالاب‌ها هم محیطی برای تلطیف آب‌وهوا هستند، هم محیطی برای کشاورزی ایجاد می‌کردند و هم محیطی مناسب برای زندگی پرندگان و حیات‌وحش به‌شمار می‌رفتند. متاسفانه به‌دلیل خشکسالی و خشکیدگی تالاب‌ها، در ۱۵ شهر استان فارس نشانه‌های کویری‌شدن مشاهده می‌شود. با وجود گسترش بیابان‌زایی و فرسایش بادی، هنوز هیچ برنامه مدون و اصولی برای مهار این پدیده وجود ندارد. فارس استانی که زمین‌های حاصلخیز کشاورزی‌اش شهرت جهانی داشت اکنون به‌سمت بیابان‌شدن کامل پیش می‌رود. با ادامه این روند و اشتباهات انجام‌شده چندان طول نمی‌کشد که «بهشت گمشده» شیراز هم به «جهنم پیدا» تغییر نام دهد.

پالایشگاه زرقان بدون ارزیابی زیست‌محیطی

در حال حاضر یکی از نگرانی‌های مردم شیراز و به‌طور کلی فعالان محیط‌زیست فارس گسترش و توسعه پالایشگاه زرقان است. هرچند که معاون طبیعی سازمان محیط‌زیست در جلسه‌ای عنوان کرد که به دلیل مشکلات زیست‌محیطی اجازه توسعه پالایشگاه داده نمی‌شود، اما تجربه ثابت کرده است که درنهایت تمام پروژه‌های ملی بزرگ نظیر پالایشگاه زرقان کار خود را می‌کنند. به همین دلیل نگرانی‌های دوستداران محیط‌زیست از تبعات منفی زیست‌محیطی آن تشدید شده است. قرار گرفتن قسمتی از پالایشگاه در محدوده پارک ملی بمو اضطراب را در دل حامیان توسعه پایدار به‌وجود آورده که مبادا با آغاز فعالیت این پالایشگاه حیات این پارک ملی به خطر افتد. اگرچه هنوز به دلیل نداشتن گزارش ارزیابی زیست‌محیطی این پروژه شروع به کار نکرده است، اما به‌نظر می‌رسد در آینده‌ای نه‌چندان دور فعالیت این پالایشگاه که بخش از پارک ملی بمو را در اختیار دارد، مشکلات زیست‌محیطی زیادی ایجاد خواهد کرد.

جاده نیریز خرامه خطری بزرگ برای اکوسیستم بختگان

وقتی حرف از معدن‌کاوی می‌شود حتما باید برای آن جاده‌ای هم درنظر گرفت. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مناطق حفاظت‌شده فعالیت معدن‌کاوها و جاده‌های دسترسی به معادن است. درواقع این جاده‌ها بیشتر از خود معادن باعث تخریب زیستگاه جانوری و گیاهی منطقه می‌شود. اکوسیستم شکننده مناطق حفاظت‌شده بر اثر جاده‌سازی و معدن‌کاوی به شدت دچار ناپایداری می‌شود. هم‌اکنون به‌خاطر معدن سنگ آهک جاده نیریز به خرامه که باعث وصل‌شدن معدن به مرکز کشور می‌شود در حال احداث است. درصورتی که در این مسیر حداقل سه جاده دیگر هم از قبل وجود داشت. به‌عبارت دیگر وجود چنین جاده‌ای به‌گفته فعالان زیست‌محیطی محلی از اعراب ندارد و با وجود جاده‌های دیگر اصلا ضرورت ندارد که احداث شود. به‌نظر می‌رسد این جاده از حاشیه پارک کمالی بختگان که شامل دراچه و قسمتی از پناهگاه حیات‌وحش بختگان می‌شود، عبور می‌کند. بنابراین احداث این جاده، تخریب وسیعی از این پارک را به دنبال خواهد داشت. درواقع این جاده ارتباط اکولوژیکی دو منطقه را قطع می‌کند و اثرات غیرقابل‌جبرانی بر زیستمندان این منطقه وارد می‌سازد.

سدسازی بلای جان دریاچه بختگان

ایران رتبه دوم سدسازی در دنیا را دارد. این یعنی بر سر هر چشمه و رودخانه در ایران سدی ساخته شده است. با این‌که در قرن بیست‌ویکم عصر سدسازی به پایان رسیده است اما شورواشتیاق به سدسازی همچنان در ایران موج می‌زند. نخستین سد استان فارس سد درودزن بوده که در استان برای تأمین آب ۴۲ هزار هکتار اراضی زده شده اما در حال حاضر بیش از ۱۳۰ هزار هکتار اراضی زیر کشت در اطراف این سد وجود دارد. گفته می‌شود دلیل اصلی خشکیدگی تالاب بختگان همین سد درودزن بوده است. سدسازی باعث شده که سطح زیر کشت کشاورزی و باغداری افزایش یابد و به دنبال افزایش سطح زیر کشت، نیاز به آب هم بیشتر می‌شود اما داستان به همان سد درودزن ختم نشد، این بار با احداث سد سیوند تیر خلاصی بر پیکر تالاب بختگان وارد شد. سد ملاصدرا که در کنارش چاه‌های غیرمجاز به تعداد بسیار زیاد زده شده است، تالاب‌های این استان را نابود کرده است. در شهرستان استهبان که در حوزه بختگان قرار دارد بیش از ۱۲۰۰ حلقه چاه غیرمجاز حفر شده است. در دولت قبل محیط‌زیست سد راه توسعه بود، بنابراین سدسازی‌های متعددی در زمان دولت قبل کلید خورد. درواقع چاه‌های غیرمجاز مثل این است که یک ظرف را سوراخ سوراخ کنیم که به مرور آبش هدر می‌رود. هم‌اکنون در شهرستان استهبان در حوزه آبریز بختگان ۲ هیچ‌قنات یا چشمه‌ای وجود ندارد.

معدن‌کاوی در دل بهرام گور

بهرام گور یکی از مناطق بسیار بارزش و حفاظت‌شده ایران به‌شمار می‌رود. منطقه حفاظت‌شده بهرام گور در شرق استان فارس و شمال‌شرقی شهرستان نی‌ریز قرار دارد. وسعت این منطقه ۴۸۰ هزار هکتار و ارتفاع بلندترین نقطه آن ۲ هزار و ۷۸۷ متر بوده و دارای آب‌وهوای گرم‌وخشک و بارندگی حدود ۲۰۰ میلی‌متر است. منطقه بهرام گور زادگاه گوخر ایرانی است و تنها منطقه‌ای در ایران است که جمعیت گوخر ایرانی را در خود جای داده است. اما بهره‌برداری از معدن سنگ آهک در این منطقه حیات گونه‌های جانوری این منطقه حفاظت‌شده را به خطر انداخته است. این منطقه از موقعیت جغرافیای خاصی برخوردار است و بنابه گفته دانشمندان، بهرام گور به‌عنوان یک سد در مقابل ورود اقلیم کویر به استان فارس عمل می‌کند اما معدن‌کاوی ضمن نابودی گونه‌های در حال انقراض این منطقه مثل زاغ و هوبره ممکن است کل این منطقه حفاظت‌شده را با خطر جدی روبه‌رو کند. درصورت افزایش فعالیت‌های معدن‌کاوی، بهرام گور هم سرنوشتی مثل دریاچه بختگان پیدا می‌کند. در چنین شرایطی کویری‌شدن فارس به‌دلیل برداشتن مانعی چون منطقه حفاظت‌شده بهرام گور محتمل است. از پیامدهای فعالیت معدن سنگ در این منطقه تأثیر منفی بر رفتارهای گونه‌های جانوری این منطقه است. به‌عنوان مثال به دلیل سروصدای زیاد ناشی از فعالیت معدن‌کاوی، تولید مثل گونه‌های جانوری نظیر گوخر آسیایی و دیگر موجودات کاهش می‌یابد.

تصرف اراضی ملی

متاسفانه در بعضی مناطق استان فارس برخی مناطق حفاظت‌شده و جنگل‌ها را آتش می‌زنند تا جنگل را به انجیرستان تبدیل کنند. محصول انجیر در قدیم به صورت دیم کشت می‌شد، اما در سال‌های اخیر برای تولید این محصول آبیاری صورت می‌گیرد که اگرچه تولید را افزایش می‌دهد و یک درآمد موقت است، اما پیامد آن نابودی محیط‌زیست کل منطقه است. درحال حاضر وسعت انجیرستان‌ها در روستاهایی که مردمش حتی آب خوردن ندارند درحال افزایش است. به‌عنوان مثال در روستای قشم‌قاوی که تا چندسال پیش ۸۰۰ هکتار مستثنیات داشته، هم‌اکنون بالغ بر ۲ هزار هکتار انجیرستان دارد. ۲ هزار هکتاری که جزو اراضی ملی و همچنین قسمتی از منطقه حفاظت‌شده محیط‌زیست است، به‌انجیرستان تبدیل شده‌است.